

متن پرسش

سلام علیکم استاد عزیز: ۱. بیخشید آیا خون نواصب و دشمن اهل بیت حلال است؟ کجای دین آورده که ما می توانیم به جان افراد مالک باشیم و به راحتی حکم به قتل آنها بدهیم؟ ۲. آیا حدیثی داریم که صراحتاً ائمه امر به کشتن نواصب کرده باشند؟ ۳. اگر حکم الهی است پس چطور وقتی فردی نزد امام دوم شیعیان می آید به ایشان و پدر ایشان توهین می کند ولی ایشان با رفتار نیکو با آن شخص برخورد می کنند؟ پس ایشان بر اساس حکم الهی عمل نکردند؟ مگر قتلشان واجب نیست؟ وظیفه ما در قبال نواصب چیست؟ ۴. لو سلمنا که این حکم صحیح باشد. ملاک دقیق برای ناصبی بودن چیست؟ آیا نباید تفاوتی بین توهین به ائمه و استخفاف ائمه قائل شد؟ مثلاً کسی به ائمه توهین نمی کند ولی مقام آنها را کوچک می شمارد و می گوید هر چه آنها گفتند دروغ است مثلاً یا مثلاً آنها را با اسم کوچک صدا می کند بخاطر استخفاف مقامشان، این فرد هم زیر مجموعه تعریفی که فقها از ناصبی بیان کردند حساب می شود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید که جریان نواصب یک جریان سیاسی برای مقابله با موجودیت اسلام بوده است. به همان معنایی که قرآن می فرماید: «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَ أَكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (۷۲/آل عمران) طایفه ای از اهل کتاب با نقشه ابتدای روز ادعا می کنند ما ایمان آوردیم و بعد در آخر روز می گویند بررسی کردیم دیدیم دین اسلام چیزی ندارد و به صورتی مرموزانه به نقشی خود شکل علمی می دهند مثل کاری که سلمان رشدی کرد که این عملاً مقابله با اسلام و موجودیت نظام اسلامی است و به عنوان یک نوع مبارزه با اسلام، این نقشه را می کشند و این غیر از آن است که یک کسی از سر عصبانیت یا از سر جهالت، نبوت نبی و یا حقانیت شریعت را منکر شود. این افراد حکمشان مسلم حکمی نیست که برای امثال سلمان رشدی هست. آری! بوده اند کسانی که با توطئه سعی داشتند تشکیلات تشیع را در زمان ائمه به مشکل بیندازند و جریان وکالت را با خطر روبهرو کنند که امام دستور قتل آنها را می دادند. موفق باشید